

## حمام‌ها (گرمابه)

-تاکید ادیان مختلف به شستشو، غسل و تطهیر

-**قدیمی‌ترین حمام‌ها:** ۱. حمامی در تخت جمشید (حمام خصوصی)، ۲. حمامی در کاخ آشور در دوره اشکانی

-**در دوران اسلامی:** تاکید بر پاکیزگی، غسل‌های متعدد و وضو برای نمازهای پنجگانه در زندگی روزمره مسلمانان، شعار معروف پیامبر در این زمینه: "النظافه من الايمان".

-**وجه تسمیه گرمابه:** گرم + آبه (آوه، آوج، جایگاه) = جایگاه گرم (متناسب با واژه سردابه)

-از مهمترین بناهای اسلامی بعد از مسجد و مدرسه، حمام می‌باشد.

-**مکان ساخت:** در گذرگاه‌های اصلی شهر، راسته بازارها و کاخ‌های حکومتی، (بطوری ساخته می‌شدند که برای تامین آب بهداشتی و خروج فاضلاب مشکلی پیش نیاید).

-**مصالح:** کف حمام: سنگ مرمر و یا سنگ‌های دیگر با ملات ساروج، ازاره: سنگ و کاشی، سردر: سنگ، کاشی و آجر

-**تزیینات (تزیینات داخلی):** **آهک‌بری** به صورت ساده و رنگی (حمام وکیل شیراز) و ساروج

**ساروج** از ابتکارات معماران ایرانی در دوران بسیار کهن است. برای ساختن آن نخست **خاک رس** و **آهک** را به نسبت شش و چهار مخلوط می‌کنند و گلی سفت می‌سازند و دو روز آن را ورز می‌دهند. بعد، قسمتی از خاکستر کوره‌های **حمام** را با مقداری مواد **الیافی لوئی (گیاه)** (تخم و پرزهای نوعی نی است) به آن اضافه می‌کنند و مخلوط تازه را با چوب‌هایی به قطر ده **سانتیمتر** می‌کوبند تا به خوبی باهم عجین شوند.

## فضاهای اصلی حمام عبارتند از:

۱. ورودی: دهلیز، پیش‌خوان: قبل از ورود به راهروی منتهی به حمام

۲. دالان: راهروی پر پیچ و خم

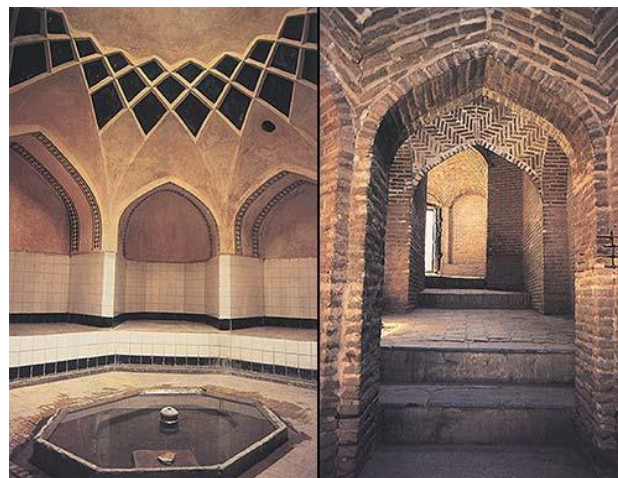
۳. بینه (سر بینه، رختکن):

- فضایی بزرگ، سرپوشیده، نیمه‌گرم و کمابیش خشک

- پلان: چهار پهلو (مربع)، هشت پهلو، کشکولی

- دارای حوضی در میان: با دو کاربری: آذین، شستن و آب کشیدن پا

این فضا به وسیله چند پله از سطح گذر پایین‌تر و مرتبط با راهروی ورودی، به منظور تعویض لباس و نشستن و دارای سکویی دور تا دور خود، غالباً یک قسمت سکو دارای عمق بیشتر، به نام شاه‌نشین بود.



## ۴. میان در

فضایی میانجی بین بینه و گرمخانه. به منظور جلوگیری از اتلاف گرمای داخل گرمخانه و تنظیم دما و رطوبت هر فضا با فضاهای مجاورش

- دارای راهرو و دالانی به : آبریزگاه و سرویس بهداشتی + جایگاه ستردن مو

## ۵. گرمخانه

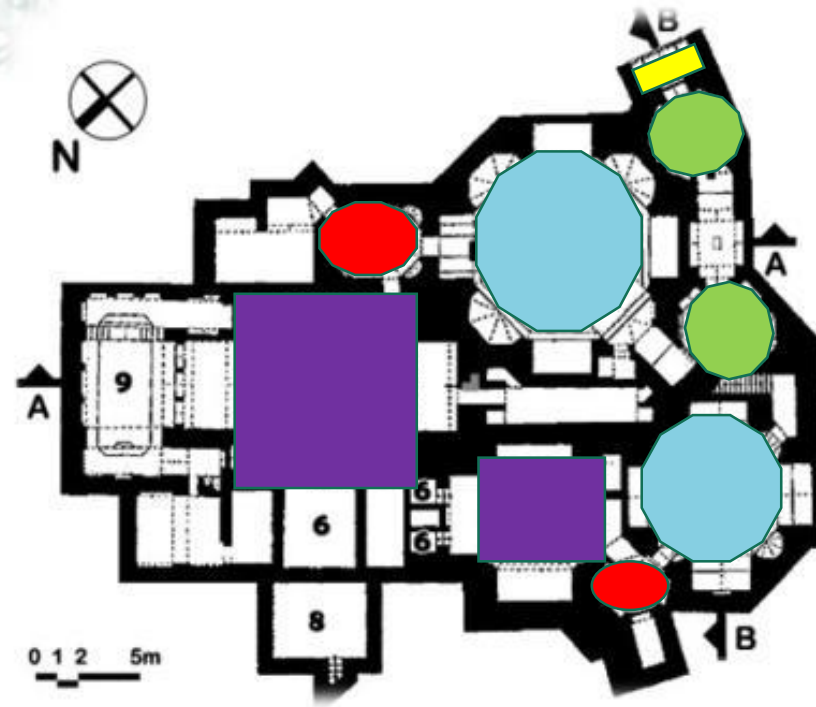
- گرمترین بخش حمام

- دارای یک حوض بزرگ آب سرد، با دو حوض کوچک آب گرم (همواره تمیز):  
مردم یکبار برای شستن و بار دیگر برای آبکشی و غسل کردن به درون خزانه می رفتند

- گرمابه قسمتی با عنوان شاهنشین مخصوص افراد مهم داشت. همچنین  
قسمتی ویژه جهت انجام حجامت



## فضاهای تشکیل دهنده حمام :



- ✓ سردر ورودی
- ✓ هشتی
- ✓ سربینه
- ✓ میان در
- ✓ گرمخانه
- ✓ خزینه
- ✓ نورکش خانه

- گرمابه‌ها معمولاً در گودی زمین ساخته می‌شدند: پایداری بیشتر + عدم هدررفت گرما

- پساب (فاضلاب) گرمابه را به چاه یا به یک گودال روباز می‌ریختند که بهداشتی نبوده است.

- **نورگیری حمام:** پوشش حمام‌ها از گنبد کلمبو بود که می‌شود در آن روزن ایجاد کرد. در نوک گنبد شیشه‌هایی به نام جام قرار می‌دادند که قابل تعویض بود. این روزن‌ها در تابستان جهت انجام تهویه باز و در زمستان بسته بودند و جهت روشنایی در این فصل از چراغدان استفاده می‌شده است.

- آب‌بندی روزن‌های جامخانه در زه سفالی‌شان: توسط ماستیک (گل رس + روغن برزک = مومینه)

- از نمونه‌های موفق: حمام گنجعلی خان کرمان (استفاده از سرب در تزیینات حمام)، حمام خسرو آقا اصفهان، حمام کردشت میانه، حمام شیخ بهایی اصفهان، حمام نواب تهران، حمام سرپولک تهران، حمام سلطان امیراحمد کاشان، حمام علی قلی آقا اصفهان و حمام چهارفصل اراک  
- یکی از نمونه‌های حمام مشترک بین مسلمین و غیرمسلمانان: حمام چهارفصل اراک



## قلعه‌ها

- از مظاهر بارز اندیشه دفاعی انسان (آغاز خانه‌سازی بشر همواره با اندیشه دفاع در برابر دشمنان همراه بوده است). معماری اینگونه بناها جنبه نظامی و دفاعی داشته است.

- سرزمین ایران در گذشته، به علت وضعیت جغرافیایی خاص که بین دو جلگه بین‌النهرین و پنجاب سند قرار گرفته، کشور رابطی بوده است که اقوام و طوایف مختلف برای دسترسی به شرق و غرب مجبور بودند، از آن عبور کنند و در نتیجه همواره مورد تهاجم به ویژه از طرف شرق و شمال شرق بوده است. بنابراین در سر تا سر ایران قلعه و برج و بارو و ارگ و خندق و دروازه می‌بینیم، که هر کدام نمونه‌های کوچک و بزرگ از استحکامات نظامی است. در نقاط مهم و گذرگاه‌ها و بر قلعه کوه‌ها دژهایی می‌ساختند تا بتوانند بر دشمن مسلط باشند.

- در دو گروه (کوهستانی، جلگه ای):

### ۱. کوهستانی:

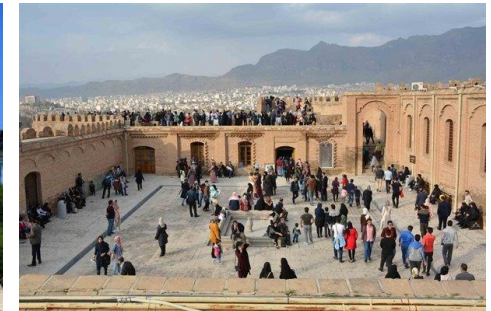
- فاقد طرح و نقشه از پیش آماده، و ساخت بر اساس و توجه به موقعیت طبیعی صخره‌ها
- مصالح: قلوه‌سنگ، آجر، با ملات ساروج و آهک، سنگ‌های بدون تراش نظیر سنگ‌های کوه یا رودخانه همراه با گچ غربال شده
- در قسمت انتهایی برج‌ها و بعضی مواقع، باروها، کنگره‌هایی است که مخصوص کمانداران بوده است تا بتوانند از شکاف کنگره‌ها دشمن را هدف قرار دهند.

- نمونه‌ها: قلعه فلک‌الافلاک خرم‌آباد، قلعه الموت قزوین (پایین دژ محل سکونت روستاییان بوده).



قلعه الموت

قلعه فلک‌الافلاک



## ۲. جلگه‌ای (دشتی):



قلعه هرمز



قلعه پرتغالی‌ها قشم

- با طرح و نقشه مشخص (عمدتاً: مربع، مربع مستطیل، چندضلعی و مدور)  
- دارای برج و بارو در چهار گوشه آن (برای دفاع)، مصالح: غالباً آجر و خشت و ندرتاً آجر و گچ. باروی این قلعه‌ها چینه‌ای یا با خشت‌های قطور.

- حفر خندق در اطراف بعضی قلعه‌ها  
- بعضی از قلعه‌ها به دلیل امنیت آن‌ها محل سکونت کشاورزان و روستاییان شد. مانند: قلعه هنجن در سر راه نطنز به ابیانه

- نمونه‌ها: قلعه گلی ورامین، قوشچی ارومیه، کهنه کرمانشاه.

- از قلعه‌ها در مواقع صلح و آرامش به عنوان کاخ استفاده می‌شده است: (همچون: تخت سلیمان در تکاب، آذربایجان غربی، با کاربری نیایشگاه و کاخ).

- **بزرگترین و مستحکم‌ترین قلعه‌های ایران:** متعلق به فرقه اسماعیلیه، بر بلندای رشته‌کوه‌های البرز، همچون: الموت، گردگوه، سارو و امامه). فاقد طرح و نقشه از پیش آماده، و ساخت بر اساس و توجه به موقعیت طبیعی صخره‌ها مصالح: قلوه‌سنگ، آجر، با ملات ساروج و آهک

- توقف در ساخت قلعه‌ها در قرن ۱۲ هجری، و ایجاد پاسگاه‌ها و سربازخانه‌ها به شیوه جدید  
- **قلعه‌های با سبک معماری غربی،** در کرانه خلیج فارس، (همچون: قلعه‌های هرمز، خارک، قشم و بندرعباس).

برای امر جنگ آماده می‌شوند. مثل پادگان‌های نظامی امروز	نظامی
در داخل شهر ساخته می‌شدند. نارین قلعه	حکومتی
در حاشیه روستاها	اربابی، حکام روستایی
در جنگ با سلاطین بودند. قلعه‌های اسماعیلیه در الموت قزوین	اقلیت‌های مذهبی
اموال کاروان‌ها را در دشت تاراج کرده و به قلعه‌های خود می‌بردند، این قلعه‌ها در کوهستان‌ها شکل می‌گرفت تا به راحتی قابل وصول نباشد.	یاغی‌ها



قلعه الموت

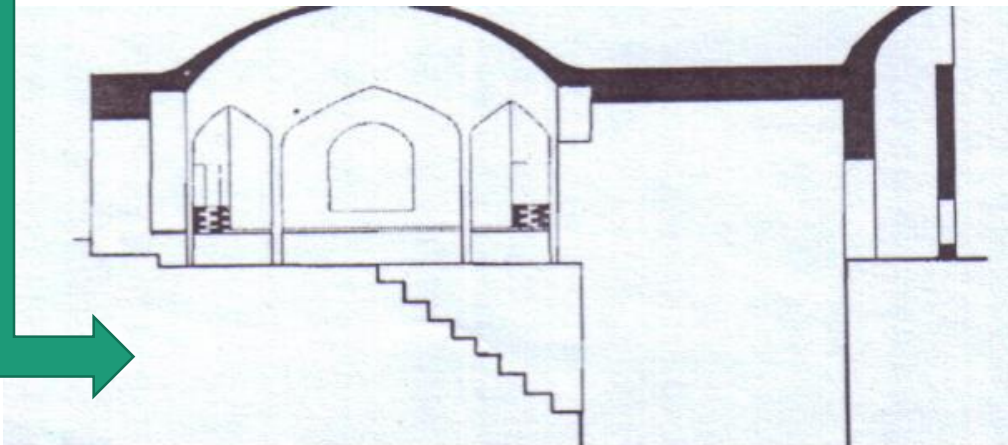


## آب انبارها

- نوعی از ابداع ایرانی، به فراخور موقعیت اقلیمی مناطق مختلف ایران
- کاربری: ذخیره سازی آب های زمستانی، مصرف آب در فصل های کم آب و خشک سال
- قدیمی ترین آب انبار: منبع ذخیره آب معبد چغازنبیل
- در دو گروه: عمومی و خصوصی

## انواع آب انبار:

۱. **دشتی:** همانند یک استخر سرپوشیده، فاقد شیر و پاشیر، خزانه آب انبار در دل زمین (گودی)، به صورت پله پله، آب را در خزانه پله ریخته و از کنار آن، از روی پله ها آب بر می دارند. (تایباد و جام در شرق خراسان)
  ۲. **شهری و روستایی:** دارای شیر و پاشیر، تنوره و خزانه، بادگیر (جهت خنک کردن آب)
- پلان: در اشکال گوناگون مکعب، مستطیل، استوانه، چندضلعی
  - مصالح: سنگ، آجر، شفته آهک و ساروج، با تزیینات آجر و کاشی



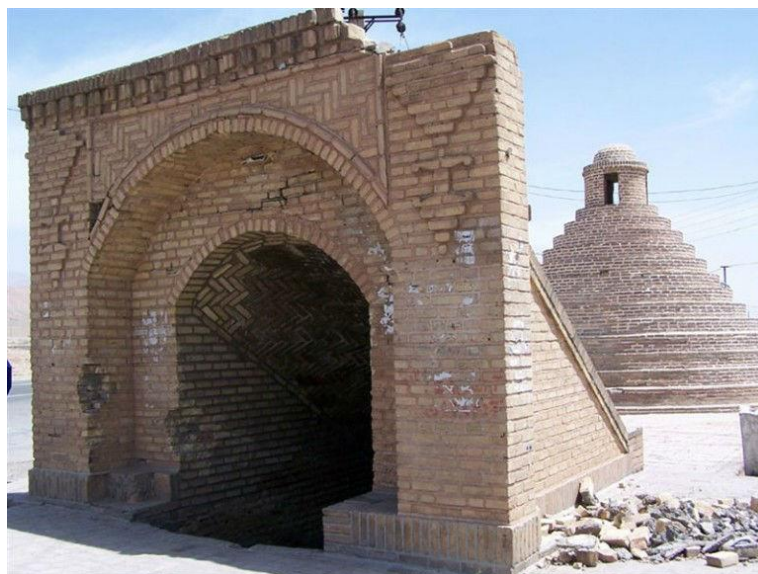
## -عناصر معماری آب انبار:

-سردر: سردر به حفره یا فضای شیب‌داری منتهی می‌شود. معمولاً در سردر نام بانی و سازنده آب‌انبار ذکر می‌شود. آب‌انبارها تزئیناتی به جز سردر نداشتند.

-راچینه: پلکان (آجری) دسترسی به پاشیر با شیب تند، گاه دارای یک یا دو پاگرد جهت رفع خستگی و نوشیدن چای، آبمیوه و ...  
-پاشیر: محل انتهای شیب آب‌انبار است که به وسیله پله‌های متعددی به آن دسترسی می‌یابند. جایگاه دسترسی به آب آب‌انبار.



-**تنوره یا خزینه، مخزن آب انبار:** این بخش معمولاً در زمین سفت و در درون زمین تعبیه می‌شود تا از ریزش دیواره‌های آب انبار جلوگیری شود.  
- فرم پلان آب انبار: استوانه‌ای به قطر ۱۰-۱۲ متر (جهت یکنواخت کردن فشار بر تنه آب انبار)، چهارگوش و دراز (آب انبار گنجعلی خان کرمان و سید اسماعیل تهران  
- گاه کف تنوره را با یک لایه سرب می‌پوشانند، چون معتقد بودند این لایه، آب را سرد نگه داشته و به پخش سنگینی آب و پیشگیری از نشت آن به زمین کمک می‌کند. (جهت جلوگیری از مسمومیت ناشی از سرب، روی سرب را با یک لایه ساروج می‌پوشانند تا آب و سرب تماس نداشته باشند.  
- جهت حداقل ایجاد نشتی آب در خزینه: گوشه‌ها و دنگ‌ها در راستای افقی و عمودی پخ می‌شدند.  
- پوشش سقف: ۱. مسطح (آب انبار سید اسماعیل در تهران و آب انبار علی‌آقا در کرمان)، ۲. گنبدی (بهتر است).  
- آبرگیری خزینه: از کوهستان و کاریز (بسته به گنجایش، ۴-۵ شبانه‌روز طول می‌کشیده است).  
- تصفیه آب خزینه: عبور آب از ۳-۴ استخر کوچک با لایه‌های شنی در نزدیک خزانه، اضافه کردن نمک و آهک در چند دور جهت جلوگیری از گندیدگی آب (ایجاد یک لایه روی آب و عدم ورود شی یا جانور در آب)  
- **بادگیر یا خیشخان:** جهت خنک نگه داشتن آب. ممکن است به جای بادگیر خیشخان داشته باشد. تعداد بادگیرها هم از یک تا شش عدد متغیر است.



بادگیر

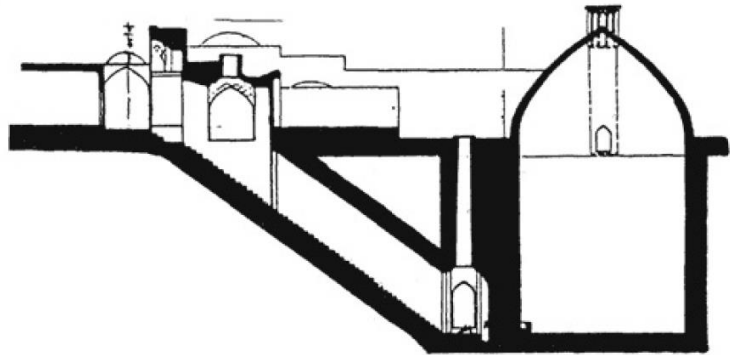
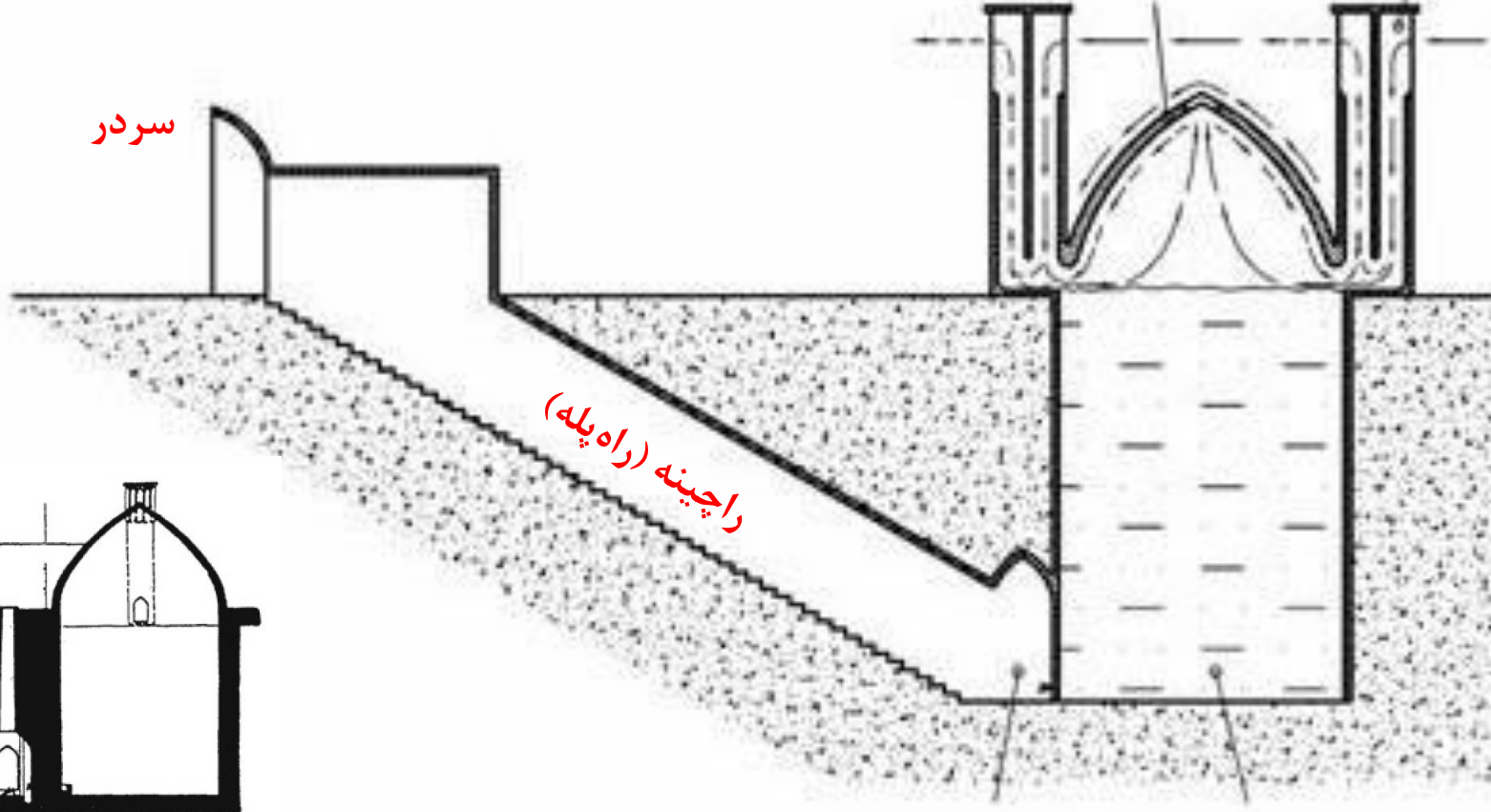
پوشش گنبدی سقف

سردر

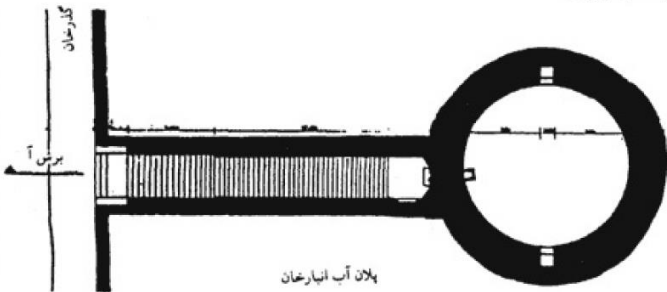
راچینه (راه پله)

پاشیر

خزینه، تنوره (مخزن)



برش آ.آ از پلان آب انبارخان



پلان آب انبارخان

نمونه‌ها: آب‌انبار سید اسماعیل در تهران، آب‌انبار معصوم‌خانی در نایین، آب‌انبار دوقلوی ه‌بادگیر در کیش (قاجاریه)، آب‌انبار شش بادگیر یزد  
-شهر آب‌انبارها: قزوین



آب‌انبار سید اسماعیل در تهران



آب‌انبار حاج کاظم قزوین



آب‌انبار دوقلوی ه‌بادگیر در کیش



آب‌انبار شش بادگیر یزد

## یخچال

-در نقاط گرمسیر و مناطقی که آب و هوای آن در روز و شب کاملاً متغیر است (مانند سمنان، یزد و کرمان) و معمولاً در مسیر آب‌های روان و خالص -معماری یخچال‌ها: برای ساختن یخچال، ابتدا گودالی که عرض آن در جهت شرق و غرب و طول آن رو به شمال و جنوب، به صورت مربع‌مستطیل، با عمق ۴۰ تا ۸۰ سانتی‌متر حفر می‌کردند. در قسمت جنوب این گودال، دیواری به ارتفاع ۱۰ تا ۱۲ متر کشیده می‌شد تا جلوی تابش آفتاب را بگیرد. این دیوار با خاک کوبیده خام ساخته می‌شد. هنگام شب و نزدیک سحر آب جاری را به داخل گودال هدایت می‌کردند. به علت سردی هوا، تمام یا قسمتی از آب یخ می‌بست. شب‌های بعد هم این عمل را تکرار می‌کردند. هنگام روز یخ‌ها را می‌شکستند، در چاله عمیقی که به عنوان انبار یخ و به نام "پاچال"، از بلندترین نقطه تا پایین‌ترین نقطه بود و قطر کوچک‌تر نیز هم‌سطح زمین بود. بنابراین اگر گنبد مخروطی یک یخچال را از بیرون مشاهده کنیم، به همان اندازه گودال پاچال عمیق است.

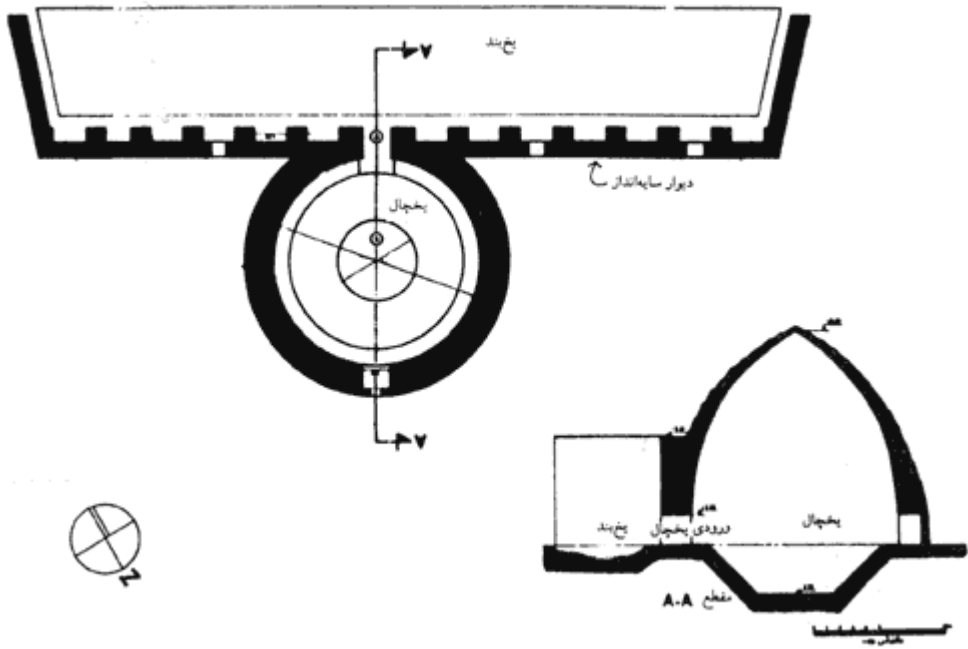
-یخچال‌های گنبدی: یک گنبد بزرگ خشتی بر فراز چال یا مخزن یخ، در حاشیه کویر مرکزی و نواحی شمال‌شرقی، یخچال میبد (یکی از بزرگترین یخچال‌های ایران)، گنبد آن همیشه از نوع دورچین و از خشت خام، معمولاً در سمت شمالی گنبد دیوار سایه‌انداز

-یخچال‌های زیرزمینی: در نواحی شمال مرکزی ایران، مانند تهران و ساوه و مناطق شمال غرب کشور مانند زنجان، همدان و تبریز، بخش عمده‌ای از بدنه داخل زمین و مصالح دیوارهای قطور آن از سنگ لاشه یا آجر با ملات‌های آبی مانند ملات ماسه آهک و ساروج، سقف غالباً آجری از نوع طاق و تویزه یا طاق‌آهنگ.

-نمونه‌ها: در جنوب‌شرقی شهر ساوه جنب باغ جوزقی، در تهران کوچه مهر در شمال خیابان منوچهری، سمت غربی محله قلعهک در شمال تهران (هم‌اکنون هیچ اثری از این دو نیست).

-یخچال‌های بدون تاق: شامل یک دیوار سایه‌انداز بلند و یک استخر بزرگ در اصفهان، (از این نوع یخچال‌ها هیچ اثری باقی نمانده).





## بازارها (فضای عمومی شهری، فضای بازرگانی و تولیدی)

-از نوع ساختمان‌های درون‌شهری

-وجه تسمیه: واچار، انجمن‌گاه، مردم سالی چند بار در آن جا گرد هم می‌آمدند و مسائل اجتماعی خود رسیدگی می‌کردند، بسیاری از جنبش‌های اجتماعی از بازار برخاسته‌اند.

-عوامل موثر بر شکل‌گیری بازار: گسترش شهرهای اسلامی، افزایش ارتباطات اجتماعی، ازدیاد راه‌های کاروانی، توسعه کاروانسراها و تبادلات اقتصادی -محور اصلی و مرکز اقتصادی شهرهای اسلامی

-مکان ساخت بازار: در امتداد مهمترین راه‌های اصلی شهر، (راسته بازار، شاهراه اصلی شهر نیز بود که مهمترین و شلوغ‌ترین دروازه‌ها را به مرکز شهر متصل می‌کرد، همچون: بازار سلطانیه، بازار اصفهان و بازار نائین)

-در بیشتر شهرهای اسلامی، مسجد جامع، در کنار بازار قرار داشت.

-معماری: قرارگیری دکان‌ها در دو سوی راسته اصلی و راسته‌های فرعی، اغلب کاروانسراهای درون‌شهری، در پشت دکان‌ها قرار داشته و به وسیله راهرو یا فضای کوچکی به بازار مرتبط می‌شده است. بسیاری از سراها دوطبقه بوده و همه آن‌ها دارای حیاط مرکزی بودند.

-مصالح: ستون‌ها و دیوارها و کف از سنگ و آجر، و پوشاندن سقف با گچ و آجر. پشت‌بام‌ها از کاهگل (عایق حرارتی و رطوبتی).

-پوشاندن دهانه‌های بزرگ مانند چهارسو و تیمچه، با گنبد و کاربندی

-انواع بازار عبارتند از:

۱. بازارهای ادواری (در شهرهای شمالی، دوشنبه‌بازار، سه‌شنبه‌بازار)، روستایی، ثابت، بین‌راهی و بازارهای شهری

۲. بازارهای خطی، چندمحوری، صلیبی، مرکزی با خان‌های پیرامون





بازار اصلی شهر، ویژه کالاهایی بوده که هر روز مردم بدان‌ها نیاز نداشتند. از این‌رو به جز راسته بازار در گذشته، در هر محله‌ای یک بازارچه هم بود که نمونه کوچکی از بازار بزرگ بود و تنها یک راسته داشت و در آن کالاهای روزانه مردم فروخته می‌شد و دکان‌هایی مانند نانوايي، عطاری، بقالی و مانند آن را در کنار هم داشت. گاه بیشتر مردم یک محله، یک پیشه، و در در بازارچه یک کارگاه داشتند. مثلاً اگر بافنده بودند، یک دکان بافندگی، و یک کارگاه رنگرزی در آن بود. پیشه‌هایی که سروصدای زیادی دارند، در راسته بازار نیستند و راسته‌ای جداگانه دارند. مانند بازار مسگرها در تهران. در گذشته در کنار راسته بازار، کارگاه‌هایی مانند روغن‌گری، حناسایی و مانند آن هم بوده‌اند. بازار روستایی هم همانند شهری که از یک دروازه به دروازه دیگر کشیده شده بود، از درون یک آبادی می‌گذشت. بدین‌گونه که در گذرهای روستا نزدیک مرکز و بنه‌گاه روستا، بخشی از گذر سرپوشیده بود و در آن دکان‌هایی بوده که کالای موردنیاز مردم فروخته می‌شده است. بنه‌گاه روستا همانند میدان در شهرها بوده است.



بازار اراک

- وجود میدان در نزدیکی بیشتر بازارها: میدان گنجعلی خان کرمان، میدان نقش جهان اصفهان
- وجود میدانچه‌هایی در کنار بازار به نام لرد (کالاها ابتدا وارد میدانچه می‌شده و سپس به بازار می‌رسیده).
- بازار زیرزمینی: در شهرهایی که زیرزمینی بوده‌اند، شهر ذلف آباد اراک، بخشی از بازار اراک



## -فضاهای مرتبط با بازار:

-راسته: رگ اصلی بازار

-گذرهای بنیادی بازار: (۱.همراستا با هم: بازار تهران، ۲.مقاطع با هم: نام محل برخورد: چهارسوق)

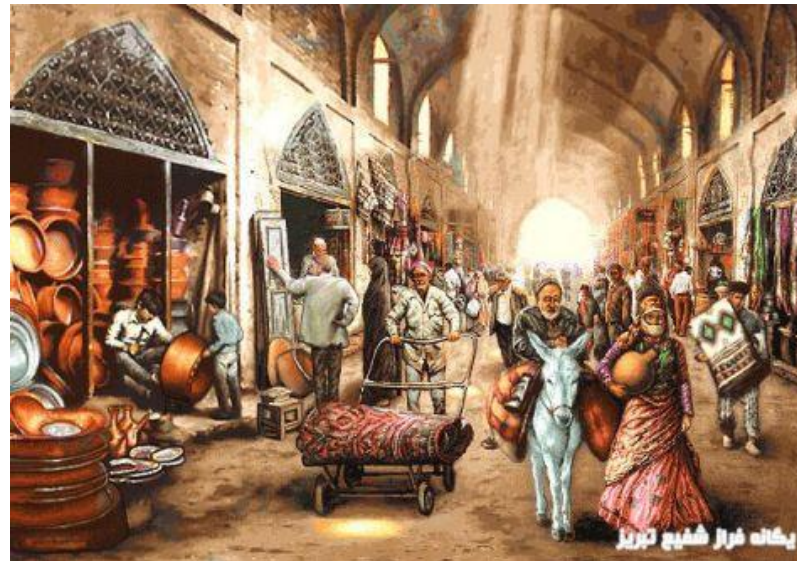
-طولانی ترین بازار سرپوشیده ایران: بازار زنجان، بازار اصفهان

-بازار خوی: طویل و سرپوشیده و فراتر از مقیاس خود شهر

-بازار لار: یکی از زیباترین بازارها

-معروف ترین پل بازار: پل بازارهای تبریز

-طولانی ترین بازاری که از دو سر شهر بیرون زده: بازار تبریز



## -فضاهای مرتبط با بازار:

-رسته:

-شاخه‌های جدا شده از راسته

-دکان‌های یک رسته با هم هماهنگ بوده و بیشتر آن‌ها یک گونه کالا را می‌فروخته‌اند.

-هر رسته ویژه یک پیشه و حرفه، رسته گیوه‌فروش‌ها، رسته مسگرها (به دور از پیشه‌های دیگر، به دلیل سروصدا)

-اکثر رسته‌ها روبروی هم نیستند.

-مخصوص یک نوع کالا، در یک ردیف



MEHR



MEHR

Photo:Hamid Sadeghi

MEHR NEWS AGENCY

## -دالان:

-رسته‌هایی هستند که از جای راسته بازار آغاز می‌شوند و با چرخشی دوباره به راسته برمی‌گردند.

-سه دالان ملک در بازار تهران

-تفاوت دالان و رسته: در دالان کنار کالاهای همانند و هم‌رده، کالاهای دیگری نیز به فروش می‌رسند.

-همه نوع کالا در یک ردیف، مثلاً نوشت‌افزارها

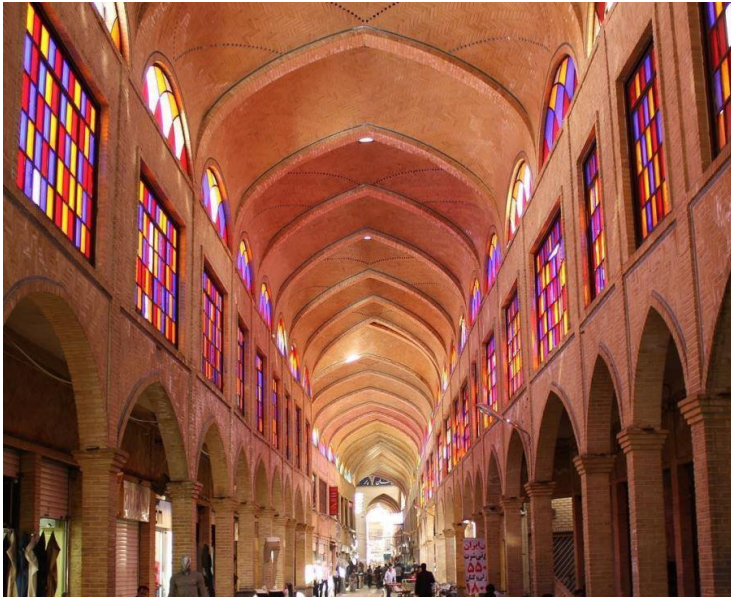
-**چهارسو:** محل تلاقی راسته و رسته

## -دکان

-هر دکان متناسب با کالایی که در آن به فروش می‌رسد شکل و اندازه ویژه‌ای داشت.

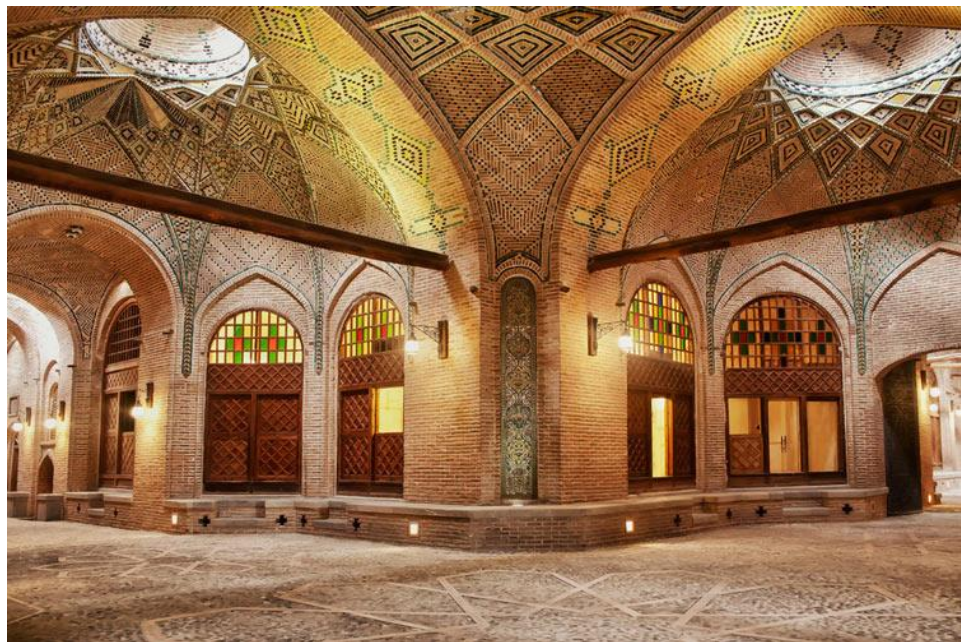
-بازارچه اصفهان: دو طبقه

-قیصریه ابراهیم خان کرمان: مغازه‌ها دو اشکوبه



-در میدان نقش جهان دکان‌های رو به بیرون، نخست تنها یک ایوان بوده‌اند، ولی در زمان صفویان، دریافتند که جرز دیوارها برای نگهداری تاق‌ها بسنده نیستند و از این رو به جرزها افزودند و سرانجام جرزها، درازتر شدند و کم کم به دکان‌هایی تبدیل شدند که امروزه از یک سو رو به میدان باز می‌شوند و از سوی دیگر به بازار سرپوشیده گرداگرد میدان، ولی میدان گنجعلی خان کرمان، چنین دکان‌هایی ندارد و بازار گرداگرد آن به میدان باز می‌شود.

-گاه بازارهایی به گونه سرپوشیده در کنار میدان‌ها درست می‌کردند، که بر خلاف بازارهای دیگر دکه‌هایی چوبی به نام "دارآفرین" یا "دارابزین" در گوشه و کنار آن نهاده می‌شد. دارآفرین، درست کار کیوسک‌های کنونی را انجام می‌داد. نما و پایه آن، گاهی چنان زیبا ساخته می‌شد که خود اثری هنری به شمار می‌رفت. شاردن از چنین بازاری در شمال میدان نقش جهان اصفهان یاد کرده است. گویا این بازار برای پیشگیری از خمیدگی دیوار و نشست جرزهای بازار کرباس‌فروشان و قندریزان و تماشاخانه بالای آن ساخته شده بود. چون در آن زمان راهی برای نگهداری دیوارهای خمیده نداشته‌اند. ناچار سرپوشیده‌ای در کنار آن ساخته‌اند تا بتوانند چون پشت-بندی رانش تاق‌های بازار کناری را بگیرد و چه بجاست اکنون که میدان نقش جهان بازپیرایی (احیا) می‌گردد، بدین نکته نیز توجه شود.



-تخته داروغه (دکان‌های باز شده در چهارسو)

-سرا یا خان:

-تجارت‌خانه عمده، مثل سرای امین‌الدوله

-رسته‌هایی که پیرامون یک میانسرا گرد می‌آمدند و دفتر بازرگانان و نمونه کالاها در آنجا بوده. نمونه کالا از آنجا تحویل گرفته شده و به جاهای دیگر پخش می‌شود.

-سرای گنجعلی خان کرمان، سرای وزیر قزوین

-سرای شیراز (مسقف نیست) و سرای کاشان (مسقف است).

-سرا، سابات: کاروانسراهای مختلف در اطراف بازار، کاروانسراهای کوچک



- تیم، تیمچه:

-سرای بازرگانی سرپوشیده

-دارای چند دفتر بازرگانی برای فروش کالاهای همانند

-تفاوت تیم با سرا: سراها در برخی سرپوشیده نیست.

-نمونه‌ها: تیم بزرگ قم، تیمچه امین‌الدوله کاشان (شیوه اصفهانی)، تیم امیر (مظفری) تبریز، تیمچه حاجب‌الدوله و تیم بزرگ تهران

-خان بار (کالنبار):



-محل تخلیه بار، جایگاه انبار کردن و کار روی یک کالا

-محل‌های بزرگی در پشت سراها و دارای چند کارگاه دستی کوچک، مانند کارگاه بسته‌بندی و انبار

-کالایی که با چهارپا به بازار می‌رسیده، نمی‌بایست حتی با چرخ و زنبه و گاری وارد بازار شود. از این‌رو کالاها از راهی همراستا با بازار به نام پس-کوچه یا پشت‌کوچه به خانبارها می‌رسیده است. خانبارها جای بزرگی پشت سراها بودند که چند کارگاه دستی کوچک مانند کارگاه بسته‌بندی و انبار داشته‌اند. گاه تکه‌های یک کالا مانند گیوه که رویه گیوه و تخت گیوه داشته، در آن جا گرد می‌آمده، روی آن کار می‌کردند و سپس آن را به سرا می‌بردند. در پشت سرایی در قزوین و نیز سرای گنجعلی خان کرمان هنوز خانبارها دیده می‌شوند.

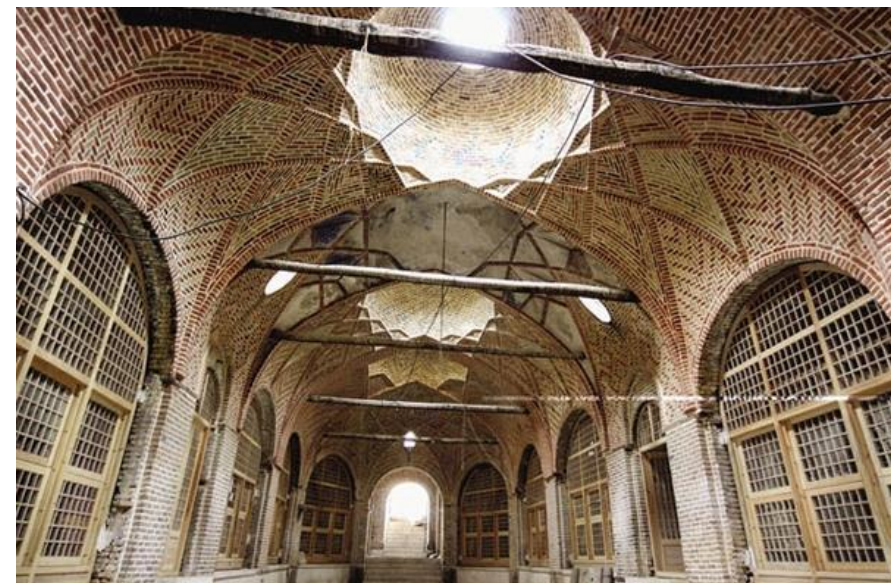
## -قیصریه:

-بازار ویژه کالاهای گران قیمت همچون، طلا و پارچه‌های زربفت، مخصوص حکومت، دارای نگهبان

-جایگاه برخورد دو راسته بازار، چهارراهی شکل می‌یافته، با آسمانه‌ای بلند به نام چهارسوق، در برخی رسته‌ها کالاهای ظریف و یا گرانبها مانند جواهر و کارهای هنری به فروش می‌رسیده.

-طویل مانند تیمچه، و دارای در، در دو سوی خود

-**نمونه‌ها:** قیصریه قزوین، قیصریه ابراهیم خان کرمان، قیصریه اصفهان، قیصریه خان یزد، قیصریه وکیل شیراز، بازارچه بلند اصفهان.





-نورگیری بازار: در سقف وجود روزنه‌ای به نام "هورنو"، در جاهایی که زمستان سرد دارد، مثل: کرمان. در بالای دکان‌ها روزنه‌هایی ساخته شده و فاقد هورنو هستند.

-بازار گنجعلی خان کرمان، بازار اصفهان، بازار وکیل شیراز: طرح از پیش اندیشیده شده

-بازار تهران: به تدریج ساخته شده

-وجود فاصله میان مسجد جامع و بازار: بازار نایین

-در برخی شهرهای بزرگ مانند ری باستان، بازار همانند یک خیابان بوده است. این خیابان از دروازه آغاز می‌شد و تا مرکز شهر ادامه داشت و از آنجا به دروازه دیگر شهر می‌رسید.

-بزرگترین بازار ایران: بازار اصفهان (از میدان نقش جهان تا میدان کهنه)

-بازار کرمان: بخشی از آن در زمان آل مظفر ساخته شده.

-بازار سردار: در میان دو ارسن گنجعلی خان و ارسن وکیل، دو طبقه، قاجاری

-بازار یزد: نزدیک میدان امیر چخماق، قیصریه خان

-بازار امیرچخماق: نام فعلی حاج قنبر



-بازار تهران: قاجار، در زمان صفویان تکیه حیاط شاهی در پشت مدرسه مروی و پیرامون آن ساخته شد، سپس کریم خان زند در جایی که اکنون کاخ گلستان است، ساخت و سازی انجام داد. تیمچه حاجالدوله و تیمچه امیر نزدیک ناصرخسرو



-بازار تبریز: تیمچه مظفری، تیمچه امیر

-بازار زنجان

-بازار خوی: زندیه

-بازار نایین: قرن ۸

-بازار لار: قیصریه لار

-بازار قزوین: سرای حاج رضا

-در برخی شهرها، گذرگاه‌ها پیاده‌روهای سرپوشیده بوده که در دو سوی آن دکان‌ها جای داشتند و یک بازار را شکل می‌دادند: بازار تجریش

-در تهران کهن، بازار سرپوشیده از دروازه شاه عبدالعظیم آغاز می‌شده و تا دروازه قزوین امتداد می‌یافته است.

## کبوترخانه‌ها (برج‌های کبوتر خان)

-این بناها در حاشیه زاینده‌رود، در میان باغ‌ها و مزارع ساخته می‌شد. هدف از ایجاد این بناها، جمع‌آوری فضولات کبوترهای وحشی بوده است.

-در داخل بنای کبوترخانه، شبکه‌ای آجری و یا خشتی است که به صورت پس و پیش نشسته است و جایگاه مناسبی برای لانه کردن کبوترهای وحشی است.



# واژه‌شناسی معماری اسلامی (واژه‌های پرکاربرد)

منبع: پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۹، سبک‌شناسی معماری ایران، انتشارات: سروش دانش، تهران

پیشخان	فضای گسترده جلوی سردر ساختمان
مردگرد	غلام‌گردش، راهرویی که پیرامون بنا می‌گردد.
مقصوره	محل محراب، گنبدخانه
نخیر	قسمت‌های تورفته در پلان
نهاز	بیرون‌زدگی در پلان
هرزه‌بندی	بند عمودی بین آجرها
یزدی‌بندی	نوعی کاربندی، آرایشی در زیر پوشش
توغ	نشانی بر نوک گنبد که از دور نمایان است.
بروار	اتاق‌هایی که در دو سوی یک تالار بلند که دو طبقه ارتفاع دارد، قرار می‌گیرد.
پاشیر	اتاقکی که در کنار خزانه آب‌انبار و دارای شیر برای برداشتن آب
گله	نقش برساو شده به صورت تکی یا تکراری، موتیف
یله	انتزاعی و ذهنی، برگرفته از طبیعت نمی‌باشد.
نسار	قسمت پشت به آفتاب ساختمان
پتو	قسمت آفتاب‌گیر ساختمان
خرک‌پوش	پوشش شیب‌دار
شوادان	فضایی به شکل زیرزمین و بسیار خنک، در شهرهای دزفول و شوشتر
تنبی	تالارهای کشیده و بی‌ستون با دیوارهای بلند که به بیرون پنجره ندارد.
قواره‌بندی	گونه‌ای معرق‌کاری روی چوب

آژند	ملات
آمود	تزیینات الحاقی در نماسازی
اشکوب	طبقه
افراز	بلندی و ارتفاع ساختمان
افزیر	استخوان‌بندی ساختمان
پادیاو	حیات دور بسته‌ای که حوض یا جوی آب در میان داشته باشد.
پاکار	جایی که طاق شروع می‌شود.
پالار	تیر حمل
فرسب	تیر اصلی
پتکانه	تعدادی تاقچه که روی هم سوار شده و جلو آمده‌اند.
پدپیل	پشت‌بند، دیوار یا نیم‌طاقی که در پشت دیوار برای نگهداری آن بسازند.
تونگان	مقرنس‌های سرستون، مانند: سرستون‌های عالی‌قاپو و چهل‌ستون
چفت‌آویز	مقرنس
خیشخان	هواکش‌های روی بام، پیرامون آن را با حصیر می‌پوشاندند و بر روی آن، آب می‌زدند تا بر اثر وزش باد، هوای خنک را به درون ساختمان هدایت کند.
رخبام	پیش‌آمدگی لبه بام
طره	پیش‌آمدگی ساختمان
کانه‌پوش (کوره‌پوش)	پوشاندن دهانه، تورفتگی بالای سردرها بصورت نیم‌گنبد، تاق کوچکی که پشت تاق جهت شیب‌دار کردن آن می‌زنند، قابل استفاده در تبدیل سقف‌های منحنی به تخت (ایجاد فضای خالی از مصالح موجب سبک‌سازی سقف)
کمرپوش	پوششی که در کمر فضایی زده می‌شود و آن را به دو طبقه تبدیل می‌کند، سقف طبقه دوم در درون یک شبستان با پوشش بلند
کوردر	پنجره نما، درگاه نما
نغول	گودی تزیینی بالای سردرها و طاق‌نماها

فخر و مدین	مشبک‌های سفالین، آجری یا کاشی
گلجام	روشنایی بالای درگاه‌ها
جامخانه	روزن‌هایی دارای چند حلقه سفالین به شکل قبه برجسته و در کنار هم، غالباً بر بالای پوشش کلبه حمام‌ها
خورشیدی	بخش نیم‌دایره‌ای بالای درها با تقسیمات داخلی
تنستهای	بافت شهر دایره شکل، در مرکز آن ساختمان‌های اصلی جای داشته، عنکبوتی
لرد	میدان‌های کوچک پراکنده در بافت شهر
ورکد	طبقه دوم ساختمان
مهتابی	فضای بدون سقفی است که بالاتر از سطح حیاط قرار می‌گیرد. دیوارهای این فضا، نماسازی می‌شود و به این ترتیب، به مسیری در سطح بالاتر و بدون سقف شبیه می‌گردد، این فضا معمولاً از سه طرف بسته و از جهت چهارم، به فضای باز مشرف است.
رواق	فضای نیمه‌باز ستون‌دار و در یک راستا، که غالباً در طول یم یا چند جبهه حیاط قرار می‌گیرد.
آوگون	انحنای پای گنبد که به سمت داخل متمایل می‌شود، نقطه عطف گنبد
تنبوشه	راه‌آب‌های استوانه‌ای سفالین، قابل استفاده در مجرای آب قنات به منظور جلوگیری از ریزش خاک
چپیره	مراحل تبدیل پلان مربع به دایره در گنبدسازی
چپيله	شیوه‌ای از زدن تاق
گره‌سازی	نقش‌هایی به صورت شکسته و دارای خطوط مستقیم در نماسازی
گوشوار	اتاقی در طبقه بالا، کنار تالار قرار می‌گیرد و به آن ارتباط دارد.
گوشواره	عنصری در تبدیل پلان مربع به دایره در گنبدسازی

کاشی	
پیش‌بر	طرحی از خود ندارند، فقط رنگ داشته و به شکل خاصی برش داده می‌شوند. برش قبل از لعاب و پختن، برش‌ها: مستقیم - الخط هندسی، کاشی هندسی، نمونه: زیر گنبدخانه مسجد جامع یزد
معرق	برش پس از پختن، برش‌ها: منحنی، هر قطعه رنگی جداگانه، کاشی تراش، شکل‌گیری: اواخر ایلخانی، شکوفایی: تیموری، باکیفیت‌ترین نوع کاشی ایران
معقلی	ترکیب آجر و کاشی، کاشی درهم، قابل استفاده در خط بنایی، اشکال مربع و مستطیل نمونه: مسجد جامع اصفهان
نگین	به شکل کوچ مابین آجر، سلجوقی قدیمی‌ترین نمونه: مقبره خواجه اتابک کرمان (هم‌نگین هم معقلی)
مه‌ری	استفاده از قالب بر روی بیسکویت خام به شکل مهر و سپس پخت آن نمونه: گنبد سلطانیه، مسجد کبود تبریز
حمیل	کشیده طولی و به شکل خطی، غالباً در حاشیه و کادرسازی ۱. ساده ۲. پیچ (زغره): الف) تکرنگ فیروزه‌ای (صفوی)، نمونه: مسجد امام اصفهان ب) رنگی (تیموری)، نمونه: مسجد کبود تبریز
هفت‌رنگ	کنار هم گذاشتن کاشی‌های چهارگوش، بعد طراحی بر آن‌ها و در نهایت پخت سهولت و سرعت در اجرا و نصب کاهش کیفیت به جهت یکسان نبودن درجه پخت رنگ‌ها شکل‌گیری: اواخر تیموری، شکوفایی: صفوی

گچ، اوج گچبری: ایلخانی	
شیرشکری	کنتراست بسیار کم، ۳-۲ میلیمتر
کشته‌بری	شیرشکری رنگ‌شده
زبره	اطراف آن خیلی ساییده نشده، ۳-۲ سانتیمتر
برجسته	صاف کردن لبه‌های زبره
برهشته	کنتراست بالا، ۵-۴ سانتیمتر
چدنی، کلوخی	برجستگی بسیار زیاد، ۸-۶ سانتیمتر، استفاده فراوان: قاجار
پته	بر روی کرباس آهاردار، ایلخانی، نمونه: زیر گنبد سلطانیه
تنک‌بری	مجوف، صفوی، نمونه: اتاق موسیقی عالی‌قاپو
مشبک، توری	اجرای لایه از گچ با فاصله ۲۵-۱۵ سانتیمتر از سطح زمینه اصلی و سپس طرح‌اندازی نقش موردنظر و در نهایت خالی کردن زمینه طرح
آزده‌کاری	قبل از گیرش گچ، مهر توری (لانه‌زنبوری) بر آن می‌زنند. شکل‌گیری: سلجوقی، اوج: ایلخانی

آجر	
آبمال، واکوب	کاهش خلل و فرج سطح آجر جهت استفاده در نما آب‌زدن مرتب به خشت تا مرحله آماده‌سازی نمونه: نمای گنبدقاپوس
مه‌ری	نقش‌اندازی روی آجر، چه به صورت برجسته و فرورفته شکل‌گیری: ایلخانی، استفاده فراوان: قاجار
تراش	قطعه‌های گوناگون پاره آجر از کوچکترین تا بزرگترین اندازه برش‌ها: بعد از پخت و معمولی شکل‌گیری: سلجوقی، اوج و استفاده فراوان: صفوی و قاجار
پیش‌بر	برش قبل از پخت خشت
آب‌ساب	سایش بر روی سطح، در نتیجه تراش داده شدن سطحی از آجر و در نهایت از بین رفتن خلل و فرج و کاهش مقاومت نامناسب: برای نمای خارجی استفاده فراوان: صفوی
قواره‌بری	یکی از شیوه‌های آجر تراش، که در آن به جای نقش شکسته، استفاده از نقوش و قطعات منحنی عمده استفاده در قاب‌های تزئینی نمای بنا استفاده فراوان: قاجار